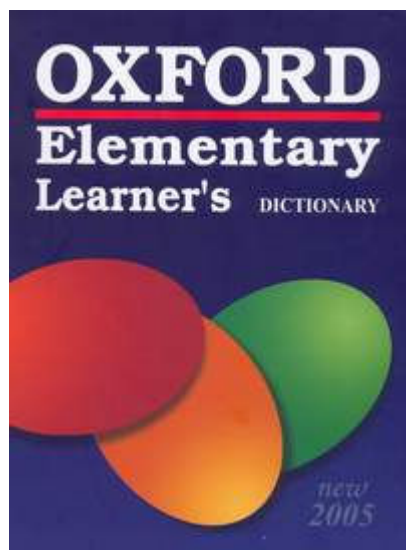


با استفاده از روش **حضور ۲۲** حافظه شما

دیکشنری ۱۵۰۰۰

کلمه ایی می شود کاری از سید اشکان نجفی



یکی از قوانین هستی بخشش است

22 October
2006-10-22

Giving

۲۸ رمضان ۱۴۲۷

۳. مهرماه ۱۳۸۵

فرهنگ زبان آموزی مقدماتی آکسفورد

Oxford Elementary Learner's

مترجمان: علی اصغر ذوالفقاری - امیر علی راسترو

انتشارات راهنما - ۱۳۸۳ (بهترین انتخاب از دید طراح روش حضور ۲۲)

هر کاری را که ۲۲ روز انجام دهید به عادت تبدیل می شود

- ۱- فرهنگ زبان آموزی مقدماتی آکسفورد Oxford Elementary Learner's دارای ۲۵۰۰۰۰ کلمه است که از ۱۵۰۰۰ کلمه جدید در انگلیسی تشکیل شده است .
- ۲- تعداد واژگان پایه و تعاریف که بوسیله آنها ۱۵۰۰۰ کلمه معنی شده است ۲۰۰۰ می باشد
- ۳- تعداد تکرار هر کلمه پایه (تعاریف) در مثالها، جملات و معانی کلمات ۱۰۲ بار است
- ۴- حداقل تکرار هر کدام از ۱۵۰۰۰ کلمه کل متن فرهنگ لغت ۱۵ بار است

در هر روز **۲۲ کلمه** را در جدول مشابه مثال پر کنید و مرور

۲ سال

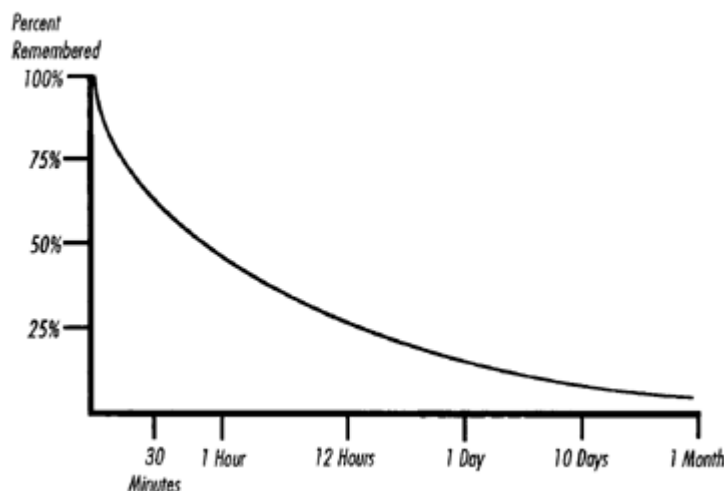
صفحات محاسبه شده را انجام دهید ، می توانید در

۱۵۰۰۰ کلمه

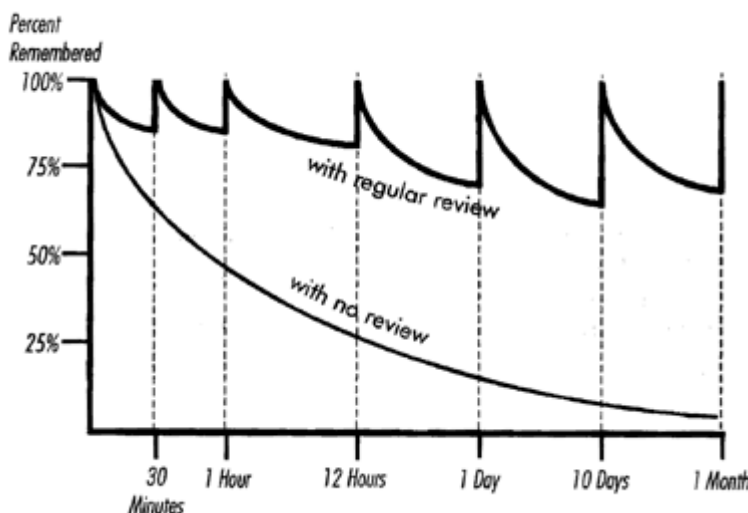
انگلیسی را به حافظه بلند مدت خود انتقال دهید

چگونه روش حفظ کردن کلمات حضور ۲۲ کشف شد :

واقعیت این است که وقتی چیزی را یاد می گیریم و در آن لحظه که ۱۰۰٪ قادر به یادگیری آن هستیم بعد از مدتی کم کم فراموشی شروع شده بطوری که بعد از چند ماه تقریباً ۸۰٪ آنچه را که یاد گرفته بوده ایم فراموش خواهیم کرد و فقط ۲۰٪ آن بخاطر می ماند این ۸۰٪ فراموش شده را حافظه کوتاه مدت گویند. و بقیه حافظه را دراز مدت می نامند. طبق این منحنی آنچه را یاد گرفته ایم به مرور زمان آن را فراموش می کنیم و برای مطالب مفهوم دار تقریباً در ۲۴ ساعت اول، ۴۰٪ تا ۴۵٪ آنچه یاد گرفته شده است فراموش می شود که به آن «**قله فراموشی**» می گویند.



بنابراین اگر به طریقی مجبور شویم که در این مدت یک تکرار داشته باشیم عملاً یادگیری ما به دو برابر افزایش پیدا میکند چرا که در حالت عادی تنها ۲۰٪ مطلب وارد حافظه دراز مدت می شود ولی وقتی این تکرار در «**قله فراموشی**» یا همان ۲۴ ساعت اول انجام شود تقریباً ۴۰٪ وارد حافظه دراز مدت خواهد شد به همین ترتیب **برکه حفظ کردن ۱۵۰۰۰ کلمه آکسفورد** بر اساس **منحنی فراموش ابینگ هاووس** زمانهای بعدی تکرارهای بعدی را تنظیم می کند و به اصطلاح کاری می کند که ما بر روی منحنی یادگیری حرکت کنیم و در زمان مناسب در مرحله خطرناک منحنی تکرار مناسب را انجام دهیم. **(به تاثیر مرور بر نگهداری اطلاعات در حافظه بلند مدت در شکل زیر نگاه کنید)**



چرا فرهنگ زبان آموزی مقدماتی آکسفورد؟

برای اینکه اگر معنی یک کلمه را با دیدگاه و مفاهیم همان زبان یاد بگیرید می تواند راحت تر در حافظه بلند مدت ساختار و سلسله مراتب پیدا کند و ماندگار تر خواهد بود .

این روش یک روش **حافظه درختی** می باشد چون هر کلمه برای معنی خود به کلمات دیگری وابسته است که مانند یک زنجیر در حافظه بلند مدت ، شما را برای پیدا کردن و یادآوری خیلی کمک می کند . اگر ریشه یعنی شروع کلمه هر صفحه را مناسب انتخاب کنیم بعد از آن ۲۱ کلمه دیگر ظاهراً می شود که به کلمه اول وابسته است . بهترین انتخابها کلمات با بیشترین تکرار در زبان انگلیسی است .

Most Commonly Used Words Most Frequency Words کلمات عمومی با بیشترین تکرار و استفاده

این روش ۸۵۰ کلمه پر کاربرد انگلیسی و ۱۰۰ فعل پایه ، اصلی ۶۰۰ کلمه پر تکرار در انگلیسی مشخص شده که شما برای راحتی کار خود در ابتدای هر برگه حافظه **حضور ۳۳** با یکی از کلمات مشخص شده شروع می کنید و آنرا در فرهنگ آکسفورد پیدا می کنید و سپس به نوع کلمه توجه میکنید و تعداد معانی آن را در نظر می گیرید و سپس با توجه به **جدول Phonetic (آوانگاری) IPA** مشخص شده در آخر این جزوه تلفظ آنرا پیدا می کنید .
به معنی انگلیسی کلمه توجه کرده و کلماتی را که نمی دانید به زیر همان کلمه در جدول اضافه کنید .
تا بعد از این کلمه آنها را هم به همین روش بررسی کنید و به برگه اضافه کنید . تا ۲۲ کلمه که برای هر روز تعیین شده است .

شما می توانید از **روش تصادفی** نیز برای پرکردن برگه های حافظه استفاده کنید یعنی صفحه ای از آکسفورد را به صورت تصادفی انتخاب کرده و کلمه ای را به عنوان کلمه شروع انتخاب کرده تا ساختار حافظه درختی آن کلمه را در برگه حافظه وارد کنید و به حافظه بلند مدت انتقال دهید .

Left **218** Right

world. It shows things like mountains, rivers and roads: *Can you find Glasgow on the map?* ◇ *a street map of Exeter* ☆ A book of maps is called an **atlas**.

marathon /'mæɾəθən/ *noun*

a very long race when people run about 42 kilometres

marble /'mɑ:bl/ *noun*

1 (no plural) very hard stone that is used to make buildings and statues: *Marble is always cold when you touch it.*

2 (plural **marbles**) a small glass ball that you use in a children's game: *They are playing marbles.*

March /mɑ:tʃ/ *noun*

the third month of the year

march /mɑ:tʃ/ *verb* (**marches, marching, marched** /mɑ:tʃt/)

1 walk like a soldier: *The soldiers marched along the road.*

2 walk with a large group of people to show that you have strong feelings about something: *They marched through the town shouting "Stop the war!"*

march *noun* (plural **marches**)

1 marching: *The soldiers were tired after the long march.*

2 a long walk by a large group of people to show that they have strong feelings about something: *a peace march*

margarine /,mɑ:dʒə'ri:n/ *noun* (no plural)

soft yellow food that looks like butter, but is not made of milk. You put it on bread or use it in cooking.

margin /'mɑ:dʒɪn/ *noun*

the space at the side of a page that has no writing or pictures in it

mark¹ /mɑ:k/ *noun*

1 a spot or line that makes something less good than it was before: *There's a dirty mark on the front of your shirt.*

2 a shape or special sign on something: *This mark shows that the ring is made of silver.*

3 a number or letter that a teacher gives for your work to show how good it is: *She got very good marks in the exam.*

mark² /mɑ:k/ *verb* (**marks, marking, marked** /mɑ:kt/)

1 put a sign on something by writing or drawing on it: *The price is marked on the bottom of the box.*

2 put a tick (✓) or cross (X) on school work to show if it is right or wrong, or write a number or letter to show how good it is: *The teacher marked all my answers wrong.*

3 show where something is: *This cross marks the place where he died.*

market /'mɑ:kɪt/ *noun*

1 a place where people go to buy and sell things, usually outside: *There is a fruit and vegetable market in the town square.*

2 the people who want to buy something: *There is a big market for personal computers in the USA.*

marmalade /'mɑ:məleɪd/ *noun* (no plural)

soft sweet food made from oranges or lemons: *We had toast and marmalade for breakfast.*

marriage /'mæɪrɪdʒ/ *noun*

1 the time when two people are together as husband and wife: *They had a long and happy marriage.*

2 the time when a man and woman become husband and wife; a wedding: *The marriage will take place in church.*

marry /'mæɪri/ *verb* (**marries, marrying, married** /'mæɪrɪd/, **has married**)

take somebody as your husband or wife: *Will you marry me?* ◇ *They married when they were very young.* ☆ It is more usual to say **get married**.

married *adjective*

How long have you been married? ◇ *Ian is married to Helen.* ☆ opposite: **single** or **unmarried**

get married take somebody as your husband or wife: *Sue and Mike got married last year.*

marsh /'mɑ:ʃ/ *noun* (plural **marshes**)

soft wet ground

marvelous *American English for marvellous*

marvellous /'mɑ:vələs/ *adjective*

very good; wonderful: *I had a marvellous holiday.*

masculine /'mæskjʊlɪn/ *adjective*

of or like a man; right for a man: *a masculine voice* ⇨ Look at **feminine**.

برای شروع برگه اول خودتان از کلمه **Mark** به عنوان اسم شروع کنید که هماهنگی آن با مثال جزوه بتوانید روش استفاده و پرکردن برگه های حافظه را یاد بگیرید

هر صفحه را به دوبرخش راست و چپ تقسیم می کنیم که به

ماندگاری در حافظه بلند مدت کمک می کند

Left **347** Right

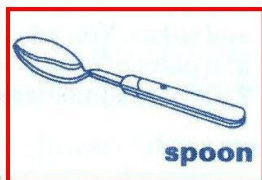
spoon /spu:n/
noun

a thing with a round end that you use for putting food in your mouth or for mixing:

a wooden spoon ◇ a teaspoon

spoonful /'spu:nfʊl/ noun

the amount that you can put in one spoon:
Two spoonfuls of sugar in my tea, please.



sport /spɔ:t/ noun

a game that you do to keep your body strong and well and because you enjoy it:
Jane does a lot of sport. ◇ Football, swimming and tennis are all sports.

sports centre /'spɔ:ts sentə(r)/ noun

a big building where you can play a lot of different sports

sportsman /'spɔ:tsmən/ noun (plural

sportsmen /'spɔ:tsmən/), **sportswoman**

/'spɔ:tswʊmən/ (plural **sportswomen**)

a person who plays sport

sports car /'spɔ:ts kɑ:(r)/ noun

a fast car, usually with a roof that you can open

spot¹ /spɒt/ noun

1 a small round mark: a red dress with white spots

2 a small red mark on your skin: A lot of teenagers get spots on their face.

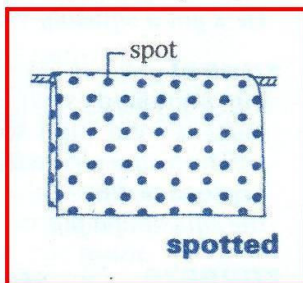
3 a place: This is a good spot for a picnic.

spotted adjective

with small round marks on it: a spotted shirt

spotty adjective (spottier, spottiest)

with small red marks on your skin: a spotty face



sprang form of spring³

spray /sprei/ noun

1 (no plural) liquid in very small drops that flies through the air: spray from the sea

2 (plural sprays) liquid in a can that

comes out in very small drops when you press a button: hairspray

spray verb (sprays, spraying, sprayed /spreid/)

make very small drops of liquid fall on something: Somebody has sprayed paint on my car.



spread /spred/ verb (spreads, spreading, spread, has spread)

1 open something so that you can see all of it: The bird spread its wings and flew away. ◇ Spread out the map on the table.

2 put soft stuff all over something: I spread butter on the bread.

3 move to other places or to other people; make something do this: Fire quickly spread to other parts of the building. ◇ Rats spread disease.

spread noun (no plural)

Doctors are trying to stop the spread of the disease.



spring¹ /sprɪŋ/ noun

1 a thin piece of metal that is bent round and round. A spring will go back to the

در فرهنگ زبان آموزی مقدماتی آکسفورد برای ۵۵۰ واژه عکس وجود دارد

که برای انتقال آنها به حافظه بلند مدت به شما کمک می کند.

به کلمه مشخص شده با **کادر قرمز** توجه کنید ، فرض بر این است که شما کلمات مشخص شده در معنی کلمه را که با **خط سبز رنگ** نشان داده ایم را نمی دانید ، پس شما باید این کلمات را زیر کلمه mark یادداشت کنید .

در این مثال شما فقط یکی از معنی های این کلمه mark را بعنوان اسم بررسی کرده اید به شماره (۱) مشخص شده توجه کنید . (پس چون تمام کلمات و معانی بررسی نشده F=Full علامت گذاری نمی شود . به کادر مشکی توجه کنید که طرف چپ و صفحه کلمه در آن مشخص شده تا براساس آن جدول و برگه حافظه پر شود .

OxFord Page=P=218 Direction=D=(L=Left)

صفحه ۲۱۸ آکسفورد سمت چپ

اولین کلمه صفحه ۱۵۲ از برگه حفظ کردن لغات

mark¹ /mɑ:k/ noun

① a spot or line that makes something less good than it was before: *There's a dirty mark on the front of your shirt.*

2 a shape or special sign on something: *This mark shows that the ring is made of silver.*

3 a number or letter that a teacher gives for your work to show how good it is: *She got very good marks in the exam.*

mark² /mɑ:k/ **verb** (marks, marking, marked /mɑ:kt/)

① put a sign on something by writing or drawing on it: *The price is marked on the bottom of the box.* بخش معنی و مثال هر کلمه

کلماتی که معنی آن را ندانسته اید با علامت خط سبز مشخص شده

در مثال چون معنی ۲ و ۳ کلمه mark به عنوان اسم بررسی نشده است پس در ناحیه F نمی توانیم علامت بزنیم ولی چون Married , Spot بطور کامل بررسی شده است و کلمه ای که معنی آن را ندانیم وجود ندارد یا اگر وجود داشته به برگه منتقل کرده ایم ، ناحیه F آن دو کلمه را علامت می گذاریم .

در لغت نامه آکسفورد به **مترادف ها و متضاد ها** توجه شده که در این شکل کلمه **married** در همان صفحه در طرف راست بود ، را در نظر گرفته که در مثال روش انتقال آن به برگه نشان داده شده است .

Oxford Page=P=218 Direction=D=(R=Right)
صفحه ۲۱۸ آکسفورد سمت راست

marry /'mæri/ **verb** (marries, marrying, married /'mærid/, has married)
take somebody as your husband or wife:
Will you marry me? ◇ They married when they were very young. ☆ It is more usual to say **get married**.

married **adjective** بخش معنی و مثال هر کلمه

How long have you been married? ◇ Ian is married to Helen. ☆ opposite: **single** or **unmarried** **متضاد و مترادف**

get married take somebody as your husband or wife: Sue and Mike got married last year. **کلماتی که معنی آن را ندانسته اید با علامت خط سبز مشخص شده**

افعال دو کلمه جدانشدنی و جدانشدنی در لغت نامه آکسفورد بطور کامل در زیر هر کلمه نشان داده شده مانند کلمه **Get Married = ازدواج کردن**

(در لغتنامه معرفی شده **انتشارات راهنما** یا **نشر پیکان**)

معنی فارسی تمام لغات آکسفورد در جلوی کلمه مشخص شده است ، انتخاب آن انتشارات نیز به همین دلیل بوده است ، طراح روش حضور ۲۲)

OxFord Page=P=333 Direction=D=(L=Left)
صفحه ۳۳۳ آکسفورد سمت چپ

singer noun

a person who sings

نوع کلمه

single¹ /'sɪŋɡl/ adjective

1 only one: *There wasn't a single cloud in the sky.*

2 not married: *Are you married or single?*

3 for one person: *I would like to book a single room, please. ◇ a single bed*

☞ Look at **double**.

4 for a journey to a place, but not back again: *How much is a single ticket to London, please?* ☞ Look at **return**.

every single each: *You answered every single question correctly.*

N
شماره معنی کلمه

بخش معنی و مثال هر کلمه

اگر تمام معنی یک کلمه بررسی شود
F=Full = [X] علامت گذاری خواهد شد

		تاریخ ایجاد							علامت هر بار مرور صفحه						
		۱	۳	۷	۱۵	۳۱	۶۳	۱۲۷							
شماره صفحه مرور های اصلی															
شماره صفحه مرور های مجدد															
سوال								پاسخ							
فرمول								کاربرد فرمول							
کلمه و مفهوم علمی								معنی ، مفهوم ، شرح و تعریف							
نام و نام خانوادگی								شماره تلفن							
شعر								معنی و تفسیر							
لغت								معنی							

این روش برای همه مواردی که باید به حافظه خود

انتقال دهید کاربرد دارد (به نمونه های جدول بالا توجه کنید)

شماره های زیر را از شماره این صفحه کم می کنیم تا صفحات مروری مشخص شود

کلمات مشخص شده در معنی لغت اصلی را ندانسته ایم

علامت هر بار مرور صفحه		۱	۳	۷	۱۵	۳۱	۶۳	۱۲۷
۸۵/۲/۱۵	تاریخ ایجاد							
۱۵۲	شماره صفحه مرور های اصلی	۱۵۱	۱۴۹	۱۴۵	۱۳۷	۱۲۱	۸۹	۲۵
	شماره صفحه مرور های مجدد							
N	English	K	Page	P	F	R	Farsi	
1	Mark	N	218	L				لکه
	Spot	N	347	L				خال
	Less							
	Dirty							
	Front							
	Shirt							
1	Mark	V						علامت زدن/کشیدن-با علامت نشان دادن
	Sign							
	Married#Single	Adj	218	R	X			متاهل ، ازدواج کرده
2	Single=UnMarried	Adj	333	L				مجرد ، غیر متأهل
	Spot(spotting,spotted)	V	347	R	X			پیدا کردن ، شناسایی کردن ، ناگهان دیدن

متن کامل معنی و مثال کلمه بررسی شده است
لغت ناآشنایی وجود ندارد

شماره معنی

نوع کلمه

معنی فارسی

اگر بعد از هفت بار مرور کلمه قابل یادآوری باشد در این مکان علامت میزنیم

علامت هر بار مرور صفحه		۱	۳	۷	۱۵	۳۱	۶۳	۱۲۷
۸۵/۲/۱۵	تاریخ ایجاد							
۱۵۲	شماره صفحه مرور های اصلی	۱۵۱	۱۴۹	۱۴۵	۱۳۷	۱۲۱	۸۹	۲۵
	شماره صفحه مرور های مجدد							
N	English	K	Page	P	F	R	Farsi	
1	Mark	N	218	L				لکه ، خال ، خط
	Spot	N	347	L				خال
	Less							
	Dirty							
	Front							
	Shirt							
1	Mark	V						علامت زدن/کشیدن-با علامت نشان دادن
	Sign							
	Married#Single	Adj	218	R	X			متاهل ، ازدواج کرده
2	Single=UnMarried	Adj	333	L				مجرد ، غیر متأهل
	Spot(spotting,spotted)	V	347	R	X			پیدا کردن ، شناسایی کردن ، ناگهان دیدن

زمانهای مرور صفحات چگونه محاسبه می شود

۱	۳	۷	۱۵	۳۱	۶۳	۱۲۷
---	---	---	----	----	----	-----

کافیست که شماره صفحه جاری را از **اعداد بالا** کم کنید تا شماره صفحات مرور ایجاد شود اگر نتیجه منها کردن عدد صفر یا منفی بود آن را در نظر نمی گیریم . در مثال زیر شماره صفحه ۱۵۲ است و صفحاتی که باید مرور شود به صورت زیر محاسبه و نشان داده شده است . در این روش ، مرورهای زائد که فرد انجام می دهد از بین می رود فقط در زمانی که قله فراموشی است شما مرور مناسب را انجام می دهید .

اگر بعد از یک دوره کامل ۷ بار مرور صفحه مورد نظر باز هم نتوانستید همه کلمات صفحه را بیاد آورید یک شماره صفحه جدید به صفحه اختصاص می دهیم (**شماره صفحه مرورهای مجدد**) تا دوباره صفحه در چرخه مرور قرار گیرد .

صفحه شماره ۱ اولین صفحه حفظ ۱۵۰۰ لغات انگلیسی	...	۲۵=۱۵۲-۱۲۷ امروز مرور می شود	...	۸۹=۱۵۲-۶۳ امروز مرور می شود	...	۱۲۱=۱۵۲-۳۱ امروز مرور می شود	...	۱۳۶
۱۳۷=۱۵۲-۱۵ امروز مرور می شود	...	۱۴۵=۱۵۲-۷ امروز مرور می شود	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸			
۱۴۹=۱۵۲-۳ امروز مرور می شود		۱۵۰	۱۵۱=۱۵۲-۱ امروز مرور می شود	۱۵۲ امروز این صفحه پر شده است	۱۵۳ فردا این صفحه پر می شود			

در ناحیه نوع کلمه می توانید از بخش خط زیر دار

به عنوان مخفف کلمه استفاده کنید (جدول زیر)

<u>Noun</u>	اسم	<u>Conjunction</u>	کلمه ربطی
<u>Verb</u>	فعل	<u>PrePosition</u>	حرف اضافه
<u>Adjective</u>	صفت	<u>Article</u>	حرف تعریف
<u>Adverb</u>	قید	<u>ProNoun</u>	ضمیر

#	Word	OxFord	IPA = International Phonetic Alphabet					
1	ago	/əˈgəʊ/	ə	ا (کوتاه)				
2	arm	/ɑ:m/	ɑ:	آ (کشیده)	m	م		
3	bad	/bæd/	æ	ا	b	ب	d	د
4	chin	/tʃIn/	tʃ	چ	n	ن	I	ئی کوتاه
5	cup	/kʌp/	ʌ	آ (کوتاه)	k	ک		
6	fall	/fɔ:l/	ɔ:	آ (دهان حلقوی)	l	ل		
7	five	/faɪv/	aɪ	آی	f	ف		
8	fur	/fɜ:(r)/	ɜ:	ا (نسبتاً کوتاه)				
9	got	/gɒt/	ɒ	آ (نسبتاً کوتاه)	g	گ		
10	hair	/heə(r)/	eə	ا همراه ی بسیار کوتاه				
11	happy	/'hæpi/	i	بین ئی کشیده و کوتاه				
12	home	/həʊm/	əʊ	ا	h	ه		
13	join	/dʒɔɪn/	ɔɪ	آی				
14	near	/nɪə(r)/	ɪə	ئی ا (هر دو نسبتاً کوتاه)				
15	now	/naʊ/	aʊ	آو				
16	page	/peɪdʒ/	dʒ	ج	eɪ	ای		
17	pure	/pjʊə(r)/	ʊə	یو کوتاه ، همراه ا بسیار کوتاه				
18	put	/pʊt/	ʊ	او کوتاه	p	پ	t	ت
19	red	/red/	r	ر				
20	she	/ʃi:/	ʃ	ش	i:	ئی نسبتاً کشیده		
21	sing	/sɪŋ/	ŋ	نگ				
22	then	/ðen/	ð	(ظ) (زبان بین دندانهای جلو) صدای عربی (ذ)				
23	thin	/əɪn/	ə	صدای عربی (ث) (زبان بین دندانهای جلو)				
24	vision	/'vɪʒn/	ʒ	ژ	v	و		
25	wet	/wet/	w	و	e	ا		
26	yes	/jes/	j	ی	s	س		
27	zoo	/zu:/	z	ز	u:	او کشیده		
The fire is ...			r , re تلفظ می شود (چون کلمه بعدی با حرف صدادار شروع شده)					
The fire burned ...			r , re تلفظ نمی شود (چون کلمه بعدی با حرف بی صدا شروع شده)					
در انگلیسی آمریکائی حرف r همواره تلفظ می شود				حروف صدادار a,e,i,o,u				

فعل اصلی انگلیسی برای اولین کلمه شروع هر برگه حفظ کلمات

accept	allow	ask	be able
begin	believe	borrow	break
bring	buy	can	cancel
change	clean	close/shut	comb
complain	cough	count	cut
dance	do	draw	drink
drive	eat	explain	fall
fill	find	finish	fit
fix	fly	forget	give
go	have	hear	hurt
know	learn	leave	listen
live	look	lose	make
need	open	organize	pay
play	put	rain	read
reply	run	say	see
sell	send	sign	sing
sit	sleep	smoke	speak
spell	spend	stand	start
study	succeed	swim	take
talk	teach	tell	think
translate	travel	try	turn
type	understand	use	wait
wake	want	watch	work
worry	write	افعال پر کاربرد و مهم انگلیسی	

Word List

These are the **850** core words of Basic English.

Operations - 100 words

come, get, give, go, keep, let, make, put, seem, take, be, do, have, say, see, send, may, will , about, across, after, against, among, at, before, between, by, down, from, in, off, on, over, through, to, under, up, with, as, for, of, till, than, a, the, all, any, every, no, other, some, such, that, this, I, he, you, who, and, because, but, or, if, though, while, how, when, where, why, again, ever, far, forward, here, near, now, out, still, then, there, together, well ,almost, enough, even, little, much, not, only, quite, so, very, tomorrow, yesterday ,north, south, east, west, please, yes.

Things - 400 general words

account, act, addition, adjustment, advertisement, agreement, air, amount, amusement, animal, answer, apparatus, approval, argument, art, attack, attempt, attention, attraction, authority, back, balance, base, behaviour/behavior, belief, birth, bit, bite, blood, blow, body, brass, bread, breath, brother, building, burn, burst, business, butter, canvas, care, cause,

chalk, chance, change, cloth, coal, colour/color, comfort, committee, company, comparison, competition, condition, connection, control, cook, copper, copy, cork, cotton, cough, country, cover, crack, credit, crime, crush, cry, current, curve, damage, danger, daughter, day, death, debt, decision, degree, design, desire, destruction, detail, development, digestion, direction, discovery, discussion, disease, disgust, distance, distribution, division, doubt, drink, driving, dust, earth, edge, education, effect, end, error, event, example, exchange, existence, expansion, experience, expert, fact, fall, family, father, fear, feeling, fiction, field, fight, fire, flame, flight, flower, fold, food, force, form, friend, front, fruit, glass, gold, government, grain, grass, grip, group, growth, guide, harbour/harbor, harmony, hate, hearing, heat, help, history, hole, hope, hour, humour/humor, ice, idea, impulse, increase, industry, ink, insect, instrument, insurance, interest, invention, iron, jelly, join, journey, judge, jump, kick, kiss, knowledge, land, language, laugh, law, lead, learning, leather, letter, level, lift, light, limit, linen, liquid, list, look, loss, love, machine, man, manager, mark, market, mass, meal, measure, meat, meeting, memory, metal, middle, milk, mind, mine, minute, mist, money, month, morning, mother, motion, mountain, move, music, name, nation, need, news, night, noise, note, number, observation, offer, oil, operation, opinion, order, organization/organisation, ornament, owner, page, pain, paint, paper, part, paste, payment, peace, person, place, plant, play, pleasure, point, poison, polish, porter, position, powder, power, price, print, process, produce, profit, property, prose, protest, pull, punishment, purpose, push, quality, question, rain, range, rate, ray, reaction, reading, reason, record, regret, relation, religion, representative, request, respect, rest, reward, rhythm, rice, river, road, roll, room, rub, rule, run, salt, sand, scale, science, sea, seat, secretary,

selection, self, sense, servant, sex, shade, shake, shame, shock, side, sign, silk, silver, sister, size, sky, sleep, slip, slope, smash, smell, smile, smoke, sneeze, snow, soap, society, son, song, sort, sound, soup, space, stage, start, statement, steam, steel, step, stitch, stone, stop, story, stretch, structure, substance, sugar, suggestion, summer, support, surprise, swim, system, talk, taste, tax, teaching, tendency, test, theory, thing, thought, thunder, time, tin, top, touch, trade, transport, trick, trouble, turn, twist, unit, use, value, verse, vessel, view, voice, walk, war, wash, waste, water, wave, wax, way, weather, week, weight, wind, wine, winter, woman, wood, wool, word, work, wound, writing, year.

Things - 200 picturable words

angle, ant, apple, arch, arm, army, baby, bag, ball, band, basin, basket, bath, bed, bee, bell, berry, bird, blade, board, boat, bone, book, boot, bottle, box, boy, brain, brake, branch, brick, bridge, brush, bucket, bulb, button, cake, camera, card, cart, carriage, cat, chain, cheese, chest, chin, church, circle, clock, cloud, coat, collar, comb, cord, cow, cup, curtain, cushion, dog, door, drain, drawer, dress, drop, ear, egg, engine, eye, face, farm, feather, finger, fish, flag, floor, fly, foot, fork, fowl, frame, garden, girl, glove, goat, gun, hair, hammer, hand, hat, head, heart, hook, horn, horse, hospital, house, island, jewel, kettle, key, knee, knife, knot, leaf, leg, library, line, lip, lock, map, match, monkey, moon, mouth, muscle, nail, neck, needle, nerve, net, nose, nut, office, orange, oven, parcel, pen, pencil, picture, pig, pin, pipe, plane, plate, plough/plow, pocket, pot, potato, prison, pump, rail, rat, receipt, ring, rod, roof, root, sail, school, scissors, screw, seed, sheep, shelf, ship, shirt, shoe, skin, skirt, snake, sock, spade, sponge, spoon, spring, square, stamp, star, station, stem, stick, stocking, stomach, store, street, sun, table, tail, thread, throat,

thumb, ticket, toe, tongue, tooth, town, train, tray, tree, trousers, umbrella, wall, watch, wheel, whip, whistle, window, wing, wire, worm.

Qualities - 100 descriptive words

able, acid, angry, automatic, beautiful, black, boiling, bright, broken, brown, cheap, chemical, chief, clean, clear, common, complex, conscious, cut, deep, dependent, early, elastic, electric, equal, fat, fertile, first, fixed, flat, free, frequent, full, general, good, great, grey/gray, hanging, happy, hard, healthy, high, hollow, important, kind, like, living, long, male, married, material, medical, military, natural, necessary, new, normal, open, parallel, past, physical, political, poor, possible, present, private, probable, quick, quiet, ready, red, regular, responsible, right, round, same, second, separate, serious, sharp, smooth, sticky, stiff, straight, strong, sudden, sweet, tall, thick, tight, tired, true, violent, waiting, warm, wet, wide, wise, yellow, young.

Qualities - 50 opposites

awake, bad, bent, bitter, blue, certain, cold, complete, cruel, dark, dead, dear, delicate, different, dirty, dry, false, feeble, female, foolish, future, green, ill, last, late, left, loose, loud, low, mixed, narrow, old, opposite, public, rough, sad, safe, secret, short, shut, simple, slow, small, soft, solid, special, strange, thin, white, wrong.

The First 100 Words

These are the most common words in English, ranked in frequency order. The first 100 make up about half of all written material.

the	or	will	number
of	one	up	no
and	had	other	way
a	by	about	could
to	word	out	people
in	but	many	my
is	not	then	than
you	what	them	first
that	all	these	water
it	were	so	been
he	we	some	call
was	when	her	who
for	your	would	oil
on	can	make	its
are	said	like	now
as	there	him	find
with	use	into	long
his	an	time	down
they	each	has	day
I	which	look	did
at	she	two	get
be	do	more	come
this	how	write	made
have	their	go	may
from	if	see	part

Next 200 Most Commonly Used Words

The first 300 words make up about 65 percent of all written material.

over say set try high saw important miss

new	great	put	kind	every	left	until	idea
sound	where	end	hand	near	don't	children	enough
take	help	does	picture	add	few	side	eat
only	through	another	again	food	while	feet	face
little	much	well	change	between	along	car	watch
work	before	large	off	own	might	mile	far
know	line	must	play	below	close	night	Indian
place	right	big	spell	country	something	walk	really
year	too	even	air	plant	seem	white	almost
live	mean	such	away	last	next	sea	let
me	old	because	animal	school	hard	began	above
back	any	turn	house	father	open	grow	girl
give	same	here	point	keep	example	took	sometimes
most	tell	why	page	tree	begin	river	mountain
very	boy	ask	letter	never	life	four	cut
after	follow	went	mother	start	always	carry	young
thing	came	men	answer	city	those	state	talk
our	want	read	found	earth	both	once	soon
just	show	need	study	eye	paper	book	list
name	also	land	still	light	together	hear	song
good	around	different	learn	thought	got	stop	being
sentence	form	home	should	head	group	without	leave
man	three	Us	America	under	often	second	family
think	small	move	world	story	run	later	it's

The Next 300 Most Commonly Used Words

Words four hundred through six hundred.

body	listen	done	plane	can't	legs
music	wind	English	system	matter	sat
color	rock	road	behind	square	main
stand	space	halt	ran	syllables	winter
sun	covered	ten	round	perhaps	wide
questions	fast	fly	boat	bill	written
fish	several	gave	game	felt	length
area	hold	box	force	suddenly	reason
mark	himself	finally	brought	test	kept
dog	toward	wait	understand	direction	interest
horse	five	correct	warm	center	arms
birds	step	oh	common	farmers	brother

problem	morning	quickly	bring	ready	race
complete	passed	person	explain	anything	present
room	vowel	became	dry	divided	beautiful
knew	true	shown	through	general	store
since	hundred	minutes	language	energy	job
ever	against	strong	shape	subject	edge
piece	pattern	verb	deep	Europe	past
told	numeral	stars	thousands	moon	sign
usually	table	front	yes	region	record
didn't	north	feel	clear	return	finished
friends	slowly	fact	equation	believe	discovered
easy	money	inches	yet	dance	wild
heard	map	street	government	members	happy
order	farm	decided	filled	picked	beside
red	pulled	contain	heat	simple	gone
door	draw	course	full	cells	sky
sure	voice	surface	hot	paint	glass
become	seen	produce	check	mind	million
top	cold	building	object	love	west
ship	cried	ocean	am	cause	lay
across	plan	class	rule	rain	weather
today	notice	note	among	exercise	root
during	south	nothing	noun	eggs	instruments
short	sing	rest	power	train	meet
better	war	carefully	cannot	blue	third
best	ground	scientists	able	wish	months
however	fall	inside	six	drop	paragraph
low	king	wheels	size	developed	raised
hours	town	stay	dark	window	represent
black	I'll	green	ball	difference	soft
products	unit	known	material	distance	whether
happened	figure	island	special	heart	clothes
whole	certain	week	heavy	sit	flowers
measure	field	less	fine	sum	shall
remember	travel	machine	pair	summer	teacher
early	wood	base	circle	wall	held
waves	fire	ago	include	forest	describe
reached	upon	stood	built	probably	drive

کلیه حقوق قانونی و شرعی برای طراح محفوظ است .
استفاده از این روش رایگان است ، هر نوع کپی
برداری و استفاده از این روش با ذکر منبع روش
یعنی "سایت حضور" و نام کامل طراح روش
حضور ۲۲ "سید اشکان نجفی" آزاد و رایگان است .

بزودی نرم افزار کامل روش حضور ۲۲ در اختیار همگان
قرار می گیرد ، از سایت حضور مجدداً بازدید کنید.

WWW.Hozour.Com
Info @ Hozour .Com

SPBC